

## پرونده سیاه آل سعود در عراق

افتتاح کنسولگری عربستان در اربیل در منطقه کردستان عراق این گمانه را تقویت کرده است که سعودی‌ها از تشکیل دولت مستقل توسط کردها و همچنین اهل سنت عراق حمایت می‌کنند.



به گزارش آران نیوز: حکومت سعودی هرگز از تلاش برای تجزیه عراق و فروپاشی این کشور فروگذار نکرده و افتتاح کنسولگری عربستان در اربیل در منطقه کردستان عراق این گمانه را تقویت کرده است که سعودی‌ها از تشکیل دولت مستقل توسط کردها و همچنین اهل سنت عراق حمایت می‌کنند. با این حال تبریک زود هنگام آزادسازی تلعفر از سوی این کشور نیز کاریکاتوری در معادله روابط دو کشور محسوب می‌شود.

عربستان سعودی بازپس گیری شهرستان «تلعفر» واقع در غرب موصل را تبریک گفت. تبریک نگفتن سعودی در آزادسازی شهرهای با اهمیت عراق از چنگال داعش در چند سال اخیر و با توجه به امید داشتن به این گروه تروریستی در آن روزها و تبریک آزادسازی شهر تلعفر که آخرین پایگاه داعش در عراق محسوب می‌شود، همگان را به این فکر انداخته که چرا سعودی‌ها در این زمان و با چه اهدافی این پیام را ارسال کرده‌اند؟

در خصوص روابط حاکمان حجاز با صدام مطالب و مقالات فراوانی منتشر شده است. روابط گسترده و حسنه رژیم‌های عربی حاشیه خلیج فارس به ویژه عربستان با بعثی‌ها بر هیچ کس پوشیده نبود، روابط ریاض و حزب بعث پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران، بسیار قوی و منحصر به فرد بود که بهترین دلیل برای اثبات آن سرازیر شدن میلیاردها دلار نفتی از سوی عربستان به سوی بغداد و تامین تسلیحات صدام در جنگ تحمیلی هشت ساله علیه ملت ایران است تا به زعم خود بتوانند انقلاب اسلامی مردمی در ایران را از بین ببرند.

پس از سقوط رژیم صدام در سال 2003 میلادی که به تدریج پایه‌های یک نظام منتخب مردمی در عراق شکل گرفت، اقدامات تخریبی حاکمان عربستان علیه خواست مردم عراق آغاز شد که به‌طور خاص اکثریت مردم یعنی پیروان و محبان اهل بیت عصمت و طهارت (ع) و تحریک افکار عمومی و در نهایت شعله‌ور کردن آتش فتنه مذهبی را برای به شکست کشاندن تجربه جدید سیاسی در این کشور هدف قرار داد.

هرچند دولتمردان عراق پس از صدام با نشان دادن حسن نیت خود، اقدام به بازگشایی سفارت خود در ریاض کردند، اما حکومت سعودی با تاخیر در سال 2012 میلادی اقدام به این موضوع کرد. رژیم سعودی هر چند در ظاهر روابط خود را با بغداد از سرگرفت، ولی عملاً بازگشایی سفارت را تا سه‌شنبه 15 دسامبر 2015 (24 آذر 1394) به تاخیر انداخت، با این حال این عملاً رنج و مصائب و مشکلات ملت عراق را بیشتر کرد. باوجود بازگشایی سفارت سعودی، روابط ریاض و بغداد همچنان متزلزل و بی‌ثبات بود که دلایل متعددی در پس آن نهفته است، دولتمردان عراق طی سال‌های پس از سرنگونی صدام، بارها حکومت سعودی را به حمایت از تروریسم (القاعده و داعش)، تحریک افکار عمومی و فرقه‌گرایی و حمایت از برخی از سرکردگان رژیم بعثی صدام که در کشتار مردم عراق دست داشتند و دخالت در امور داخلی متهم کرده‌اند.

باوجود اینکه حدود یک قرن از روابط دیپلماتیک دو کشور عراق و عربستان می‌گذرد و برخی مؤلفه‌ها می‌توانست زمینه همگرایی دو کشور را فراهم سازد، اما تأثیر بازیگران اقتدارطلب و اعمال سیاست‌های افراطی به مانع مهمی در نزدیکی دو کشور تبدیل شده و تنها در دوران جنگ ایران و عراق بود که زمینه همکاری موقت دو کشور فراهم شد. پس از سقوط دیکتاتور عراق، باوجود اینکه از عامل شخصیت در ساختار تصمیم‌گیری این کشور کاسته شد اما به دلیل عدم تغییر ساختار قدرت در عربستان، روابط دو کشور از سطح مناسبی برخوردار نبود.

البته پس از به قدرت رسیدن حیدر العبادی، وجود برخی اقدامات حکایت از تلاش سعودی‌ها برای تأثیرگذاری بیشتر و نزدیکی به دولت عراق دارد. به نظر می‌رسد عربستان به دنبال نزدیکی به دولت عراق بوده تا بتواند در آینده این کشور که در آن نیروهای تکفیری داعش در حال تضعیف شدن است، نقش بیشتری داشته باشد. اما عراق مطلوب سعودی‌ها در دوران‌هایی از داعش به نظر می‌رسد باید دارای این خصوصیات باشد: سعودی‌ها به خوبی به این مسئله آگاهی دارند که وجود یک دولت باثبات شیعی زمینه همگرایی بیشتر مناسبات تهران-بغداد را فراهم خواهد کرد. بنابراین دولت مطلوب آنها در عراق باید دولتی ضعیف باشد تا بتوانند به خوبی بر آن نفوذ داشته و سیاست‌های آن را در مقابل سایر رقبا تعدیل سازند.

تضعیف دولت شیعی: از ابتدای تأسیس کشور عراق تا زمان سقوط دیکتاتوری صدام، همواره اقلیت اهل تسنن بر این کشور حکومت کرده است. مهم‌ترین مشخصه این حاکمان، اقتدارطلبی و شخص محوری بوده است. باوجود اینکه عربستان همواره با همسایه شمالی خود در طول این سال‌ها چالش داشته است، اما خرسندی سعودی‌ها متوجه این مسئله بوده که روابط تهران - بغداد نیز همواره با چالش همراه بوده است. بعد از سقوط دیکتاتوری صدام حسین و روی کار آمدن دولت شیعی که از حمایت مردمی برخوردار بود، روابط ایران و عراق به گرمی گرایید، این روابط در دوران نوری المالکی پابرجا ماند و در دوران العبادی استمرار یافت. بنابراین سعودی‌ها به خوبی از این مسئله آگاهند که وجود یک دولت باثبات شیعی زمینه همگرایی بیشتر مناسبات تهران - بغداد را فراهم خواهد کرد. بنابراین دولت مطلوب آنها در عراق باید دولتی ضعیف باشد تا بتوانند به خوبی بر آن نفوذ داشته و سیاست‌های آن را در مقابل سایر رقبا تعدیل سازند.

تضعیف مردم سالاری دینی: عربستان سعودی با ساختار سیاسی پادشاهی موروثی، به عنوان محوریت ارتجاع در منطقه، به دلیل مواجهه با مشکلات داخلی و بحران‌های مشروعیت و در پاره‌های موارد بحران نفوذ، حامی اصلی حکومت‌های اقتدارگرای شبیه به خود در منطقه محسوب می‌شود. یک قسمت عمده سیاست خارجی این کشور در عرصه منطقه‌ای همواره بر بازتولید این ساختار متمرکز بوده است. در کنار این مسئله سعودی‌ها به خوبی می‌دانند که تضعیف مردم سالاری زمینه‌ای را برای تسلط حکام دیکتاتور فراهم می‌کند و این مسئله زمینه نفوذ آل سعود را افزایش می‌دهد. یکی از عوامل دیگر، به ترس سعودی‌ها از موفق شدن مردم سالاری دینی و تحت تأثیر گرفتن جامعه سعودی از این تجربه حکایت دارد.

تضعیف گروه‌های شیعی: در طول سال‌های اخیر گروه‌ها و احزاب شیعه به عنوان پرنفوذترین گروه سیاسی و اجتماعی در داخل عراق از جایگاه بالایی برخوردار بوده‌اند. این گروه‌ها به دلیل ارتباط نزدیک با مرجعیت شیعه و از طرفی ارتباط مناسب با جمهوری اسلامی ایران همواره برای نفوذ سعودی‌ها در عراق، خطری بزرگ محسوب شده‌اند. بنابراین عربستان به دنبال آن است تا با ایجاد تفرقه و یا کاستن از تأثیرگذاری آنها در ساختار حاکمیت، اهداف خود را در عراق محقق سازد. ضمن اینکه این کشور از قدرت یافتن شیعیان در درون مرزهای خود بیمناک است. بنابراین نزدیکی به حکومت عراق می‌تواند آنها را به اهداف خود نزدیک سازد زیرا همزمان می‌تواند از نفوذ شیعیان عراق و شیعیان خود جلوگیری کند.

نفوذ در میان اقلیم کردستان: برخی از نواحی اقلیم کردستان تحت تأثیر تجاوزگری‌های نیروهای تکفیری داعش اشغال شد و پس از خروج نیروهای تکفیری، بازسازی این مناطق یکی از اولویت‌های مهم است که در سخنان وزیر امور خارجه عربستان در عراق به آن اشاره شد. بنابراین با توجه به نیاز کردها به بازسازی مناطق کردنشین به نظر می‌رسد سعودی‌ها به دنبال اثرگذاری بر این قوم در آینده عراق هستند. نفوذ سعودی‌ها بر کردها از چند جنبه اهمیت دارد زیرا ارتباط مناسب میان عربستان و اقلیم کردستان می‌تواند به عنوان اهرم فشاری بر کشورهای عراق، ایران و ترکیه عمل کرده و سیاست‌های منطقه‌ای سعودی‌ها را محقق سازد.

برقراری ثبات مشروط در عراق: راهبرد عربستان در عراق مبتنی بر ثبات مشروط است. در این راهبرد سعی می‌شود ناامنی‌های داخلی عراق به سود عربستان جهت دهی شوند. یعنی با کشاندن ناامنی‌ها به نواحی شیعه نشین و خارج از مرزهای مشترک عراق و عربستان سعی می‌شود ناامنی‌ها خطری برای ثبات مرزی سعودی‌ها نداشته باشد. درخصوص داعش نیز این سیاست به خوبی مشخص شد زیرا هنگامی که ناامنی‌ها به مرزهای عربستان کشیده شد، این کشور سعی در جلوگیری از نفوذ آن داشت. بنابراین گزینه مطلوب برای عربستان در دوران پس از سقوط داعش در عراق این است که امنیت در مرزهای دو کشور برقرار بوده و در سایر مناطق از ناامنی‌ها به صورت برگ برنده علیه دولت مرکزی استفاده کند.

توانایی‌های سعودی‌ها برای رسیدن به هدف خود در عراق: عربستان به دنبال هم راستا کردن سیاست‌های دولت عراق با خود در منطقه است و در این خصوص نیز سعی کرده تا همواره برگ برنده‌های خود در عراق را حفظ کند و از آن‌ها برای رسیدن به هدف خود استفاده کند. می‌توان توانمندی‌های عربستان را برای رسیدن به هدف خود این موارد بیان کرد: با وجود اینکه برخی سیاست‌های عربستان و آمریکا در موضوع عراق کاملاً همسو نیست؛ اما این دو کشور درخصوص کاهش نفوذ ایران و گروه‌های شیعی در عراق و همچنین ایجاد نفوذ میان اقلیت‌ها در عراق دارای سیاست‌های مشترکی هستند.

نفوذ در میان عشایر یکی از امیدواری‌های سعودی‌ها برای محقق ساختن اهداف خود در آینده عراق، نفوذ این کشور در میان عشایر عراق به خصوص عشایر استان الانبار، استان مرزی عراق و عربستان است. نفوذ سعودی‌ها در میان عشایر باعث می‌شود که این کشور بتواند در برخی مواقع، قدرت دولت مرکزی و برخی گروه‌های شیعه را تعدیل کند. نمونه این مورد را می‌توان در تحریک عشایر عراق توسط عربستان علیه حکومت مالکی مشاهده کرد. حتی برخی اقدامات نیز از توجه سعودی‌ها برای بهره‌گیری از ظرفیت عشایر حکایت دارد به نحوی که یکی از مهم‌ترین دلایل انتخاب «السبهان» به عنوان سفیر پیشین عربستان در عراق، ارتباط بالای وی با عشایر اهل تسنن بود. در شرایط کنونی نیز این ارتباط از راه کمک‌های مالی عربستان به رؤسای قبایل حفظ شده و می‌تواند عاملی در پیشبرد اهداف آتی عربستان در عراق باشد.

همهانگی با سیاست‌های منطقه‌ای آمریکا یکی از اهرم‌های قدرت عربستان برای نقش آفرینی در آینده عراق، هماهنگی ریاض - واشنگتن در موضوعات منطقه‌ای است. باوجود اینکه برخی سیاست‌های عربستان و آمریکا در موضوع عراق کاملاً همسو نیست؛ اما این دو کشور درخصوص کاهش نفوذ ایران و گروه‌های شیعی در عراق و همچنین ایجاد نفوذ میان اقلیت‌ها در عراق دارای سیاست‌های مشترکی هستند. بنابراین عربستان می‌تواند از این اشتراک منافع استفاده و سیاست‌های آتی خود را در پیش گیرد.

محدودیت‌های سعودی‌ها در دستیابی به اهداف خود: در حالی که برخی مؤلفه‌ها زمینه‌ای را برای پیشبرد اهداف عربستان در آینده عراق فراهم می‌کند، اما برخی دلایل و مؤلفه‌ها مانعی در برابر سعودی‌ها برای تحقق اهداف آنها در آینده عراق است. از جمله این اهداف می‌توان موارد زیر را ذکر کرد:

تقویت حشد شعبی در عراق: نیروهای مردمی یا حشد شعبی پس از تجاوز نیروهای تکفیری به عراق تشکیل شد. این نیروها از حدود 40 گروه مختلف تشکیل شده‌اند که عمده آنها از شیعیان عراق هستند و رهبران نیروهای مردمی نیز ارتباط مناسبی با جمهوری اسلامی ایران دارند. حشد شعبی در تابستان 1394 به عنوان بخشی از نیروهای حکومتی توسط نخست‌وزیر عراق پذیرفته و در سال 1395 با اکثریت آرای مجلس عراق به عنوان یک سپاه مستقل رسمیت پیدا کرد. با توجه به نفوذ این نیروی مردمی و از طرفی سیاست‌های خصمانه عربستان علیه آن، به نظر می‌رسد افزایش قدرت و ثبات این نیروها زمینه‌ای را برای کاستن از نقش عربستان در آینده عراق فراهم می‌سازد.

در همین حال مشکلات داخلی عربستان پیشبرد سیاست های خارجی رابطه مستقیمی با ثبات داخلی دارد. اگر کشوری نتواند در داخل کشور اهداف و امکانات خود را تجمیع سازد در پیشبرد سیاست خارجی نیز با چند گونگی اهداف ملی مواجه شده و نمی تواند سیاست های خود را در پیش گیرد. عربستان نیز در شرایط کنونی با مشکلات داخلی از جمله افزایش مطالبات مردمی به خصوص در مناطق شرقی شیعه نشین، افزایش بدهی های خارجی، تغییرات پی در پی مسئولین حکومتی و تضاد کهنه درون خاندان سلطنتی مواجه است. در چندین سال گذشته نه تنها از دامنه اختلاف ها کاسته نشد، بلکه بر دامنه آنها افزوده شده و باتوجه به روند کنونی به نظر می رسد در آینده شاهد افزایش اختلاف های داخلی در عربستان باشیم. در شرایط افزایش اختلاف ها در عربستان این کشور به خوبی نمی تواند سیاست های منطقه ای خود را به خصوص در عراق دنبال کند.

از سوی دیگر عربستان سعودی در شرایط کنونی درگیر پرونده های مختلف خارجی است که پرداختن و پیشبرد همزمان این سیاست ها برای این کشور دشوار است. درگیری در یمن و سوریه و همزمان تلاش برای ضربه زدن اقتصادی به برخی از رقبای منطقه ای باعث شده تا این کشور نتواند همزمان راهبردهای خود را به خوبی اجرا کند. در این شرایط چشم داشت به آینده عراق پس از داعش می تواند بر دامنه مسئولیت های خارجی عربستان افزوده و در این راه موفقیت چندانی به دست نیورد.

عربستان در حالی به دنبال ایفای نقش بیشتر در عراق پس از داعش است که این کشور خود با مشکلاتی از جمله اختلاف های داخلی، درگیر بودن در پرونده های مختلف و افزایش قدرت نیروهای شیعی و مردمی در عراق روبرو است. مجموع این عوامل شرایطی را فراهم می سازد که احتمال موفقیت عربستان در پیگیری سیاست های خود در عراق را کاهش می دهد. از سوی دیگر آنچه امیدواری عربستان برای رسیدن به اهداف خود در دوران آتی عراق را افزایش داده، نفوذ در میان کردها و عشایر و تلاش برای هم سویی سیاست های منطقه ای با آمریکا است.

بنابراین باتوجه به شرایط مطرح شده، به نظر می رسد اعمال سیاست های کنونی عربستان که مبتنی بر حمایت از تروریسم و گسترش گروه های افراطی در منطقه است زمینه های کاستن از نفوذ این کشور در کشورهای منطقه را فراهم سازد. مهم ترین چالشی که حاکمان حجاز را به ادامه سیاست منفی و غیرسازنده در عراق ترغیب کرده، حاکمیت نمایندگان اکثریت جمعیت یعنی شیعیان است، بدون این که حضور اهل سنت اعم از اعراب و کردها را در نظام جدید و نقش آفرینی آنها را در نظر بگیرد.